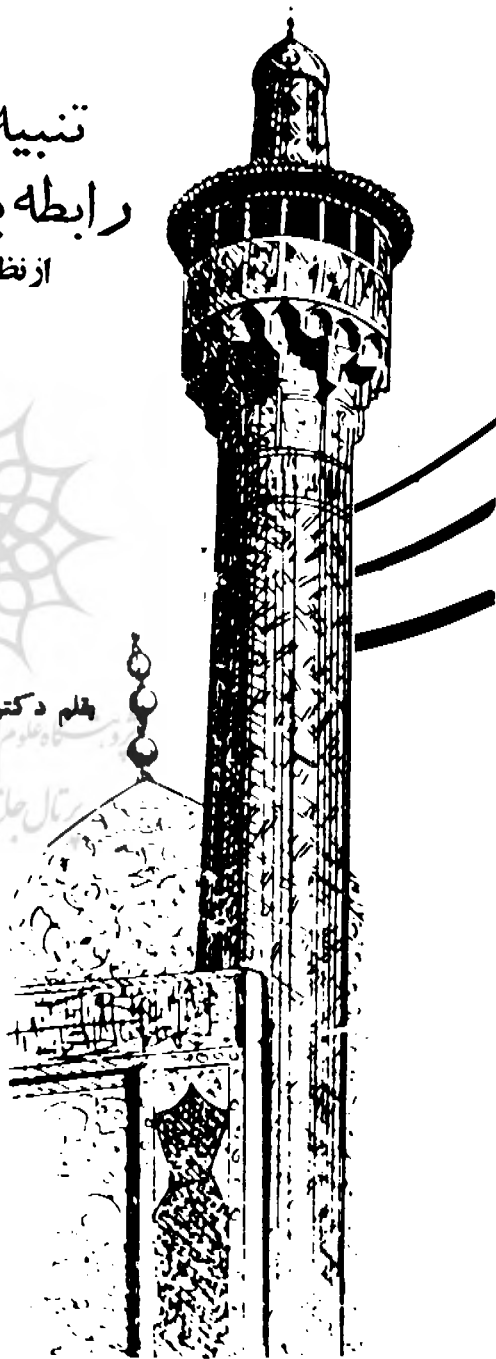


تنبیه شاگردان و رابطه با محیط مدرسه از نظر علمای صدر اسلام

مکتب ما

پنجم دکتر محمد طهرانی

در مقال گذشته درباره نظریات ابن مسخون در تعلیم و تربیت اسلامی بتفصیل سخنان گفتیم و اکنون یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته تعلیم و تربیت قرنهای نخستین اسلامی را بخوانندگان گرامی معرفی مینمائیم، وی ابوالحسن علی بن محمد بن خلف قاسبی است که بسال ۳۲۴ هجری در قریه قاسبی از توابع شهر قروان دیده بجهان گشود. قاسبی از تفکهای طراز اول عصر خود بود و در زهد و پارسائی و نیک نفسی شهرتی بسزا داشت وی در علوم مختلف اسلامی آثاری ارزنده از خود بجای نهاده که از آن جمله کتاب (الرسالة المفصلة لاهوال المتعلمین و المعلمین) است این کتاب درباره کیفیت آموزش کودکان



۳ - وسیله ضرب باید از آلات کوبنده نباشد و بهتر آنست که از ترکیه نازک استفاده شود بدون آنکه بسلامتی جسم کودک لطمه وارد کند .

۴ - معلم مجاز نیست که از سه ضربه بیشتر کودک را تنبیه بدنی کند مگر با اجازه ولی وی که در اینصورت نیز تنبیه بدنی نباید از ده ضربه تجاوز کند .

۵ - تنبیه بدنی باید جنبه تربیتی داشته باشد و بطوری صورت گیرد که در روحیه طفل اثر نامطلوب بجای نگذارد خواه آن آتسر ستیزگی و گستاخی و یا خمودی و رنجوری باشد که در هر دو صورت خلاف تعلیم و تربیت صحیح خواهد بود .

۶ - معلم باید که خود شخصاً تنبیه بدنی کودک را بعهده گیرد و آنرا بهیچ یک از دیگر دانش آموزان محول ننماید که این امر در روان کودک و همچنین در روابط بین دانش آموزان بایکدیگر اثری ناروا و نابخش بجای خواهد گذارد .

خلاصه آنکه قابسی هر چند با تنبیه بدنی ^{که} مخالف نیست بلکه در برخی از موارد آنرا از نظر خیراندیشی اسری مستحسن می داند ولی در کیفیت تنبیه درنگ بسیار نموده و شرایط معقول و عادلانه را برای تجویز آن قائل شده است بهرحال با توجه به عصر این شخصیت بزرگ اسلامی می توان به این حقیقت پی برد که تعالیم مقدس کیش اسلام تا چه پایه به اسر تعلیم و تربیت کودک که در حقیقت سرد آینده اجتماع خواهد بود اهتمام می ورزد و بویژه آنکه فرهنگ آموزی و تربیت روانی را از همان نخستین روز آموزش کودک لازم و سلزوم یکدیگر می داند چه اگر تربیت کودک با آموزش وی همگام پیش نرود

برمی نای تعلیحات قرآن کریم و دستورات عالیة کیش مقدس اسلام سخن می گوید و اصولاً قابسی معتقد است که تعلیم و تربیت باید با سبانی مذهبی همراه باشد تا پرورش شخصیت و رشد فکری کودک همزمان با رسوخ آداب و سنن مذهبی انجام پذیرد و بمرحله بلوغ و کمال مطلوب برسد ، قابسی تعلیم و تربیت کودک را از وظائف مهم پدر و ولی وی میداند و سجایای حمیده را یگانه وسیله سعادت و کاسرانی کودک می شناسد و در درجه نخست تعلیم قرآن را به کودکان توصیه مینماید تا از این راه نو آموزان با فضائل و مکارم اخلاق که سر لوحه کتاب آسمانی است (انک لعلی خلق عظیم)^۲ خوی گرفته و در صحیفه دل آنان نقش بنند و با تمرین و ممارست در پندار و کردار و گفتارشان نمودار و متجلی گردد زیرا غایت از تعلیم همان تربیت است و تعلیم بدون تربیت نه تنها برای کودک ثمر بخش نیست بلکه زیانبار نیز خواهد بود ، قابسی در امر تربیت کودک آن اندازه اصرار می ورزد که گه گاه در صورت مقتضی تنبیه بدنی را علاوه بر توبیخ و سرزنش نیز تجویز مینماید ولی مشروط بر آنکه معلم نکات زیر را بدقت رعایت کند :

۱ - تنبیه باید صرفاً بمنظور تنبیه کودک صورت گیرد و همراه با خشونت نباشد بدانگونه که جنبه انتقام بخود بگیرد بلکه با عطف و زشت باز دارند و معلم باید در عین عتاب کودک و نشاندن ابهت چون پدر چهره سهربان بخود بگیرد تا تنبیه بدنی عواقب ببار نیارد و با اصطلاح علمی نقض غرض نشود .

۲ - بهنگام تنبیه بدنی باید تنها پای کودک را مورد ضرب قرار دهد و از زدن بسر و صورت کودک بشدت اجتناب نماید .

این خطر برای او وجود دارد که فراگیریهای کودک از دوران آموزش ابتدائی تا پایان تحصیلات عالیء دانشگاهی بمنزله تیغی باشد که بدست زنگی دهند و یا مصداق مثل معروف گردد که گویند «چودزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا» و حتی قرآن کریم تربیت را در سرتبت نخست قرارداده که باید قبل از فراگیری و آموختن صورت تحقق پذیرد در آنجا که می فرماید: «لقد سن الله علی المومنین اذ یبعث فیهم رسولا من انفسهم یتلو علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه»^۲

و اما برنامه آموزش کودک در نظر قابسی نیز بر پایه اصول مذهبی استوار است و قرآن کریم را بهترین درس را برای رشد اخلاقی کودک معرفی مینماید و بگونه ای که تدریس قرآن نباید جنبه صوری بخود بگیرد بلکه باید آنرا با دقت و رعایت قواعد تجوید بکودکان آموخت و با صدای خوب تلاوت کرد، قابسی انجام فریضه نماز را نیز برای کودک دبستانی بعنوان تمرین و سمارست امری ضروری میدانند تا کودک عملاً آنچه را درباره نماز فرسآ می گیرد بکار بندد و باسوزگار خود تأسی جوید، قابسی برای دستور زبان توجه و اهمیت خاص قائل است چه زبان بهترین وسیله برای درک معانی الفاظ و مفاهیم عبارات می باشد، بدیهی است که آموختن قواعد و ضوابط زبان عربی برای خوب فهمیدن آیات کریمه قرآن نقشی مؤثر و اهمیتی بسزا دارد بنابراین می توان گفت که قابسی دروس دوره ابتدائی را به بخش مستقل «کهاد» و «نهاد» تقسیم مینماید، بخش نخست عبارت است از آموختن قرآن و طرز صحیح تلاوت آیات و بکار بستن

فرائض مذهبی و یادگیری دستور زبان عربی بمنظور فهم معانی قرآن و آشنائی با احکام و تعلیمات دینی آنمقدار که درخور و درک نوآسوزان باشد و بخش دوم از برنامه اسواد دیگر از قبیل حساب و شعر و تاریخ و آشنائی با زندگانی شخصیتهای بزرگ سلم و مذهبی و نیکوکاران و امثال آن .

قابسی هفته کامل را از باسداد روز شنبه تاظهر روز پنجشنبه یک واحد زمانی برای درس می داند و معلم باید در پایان هر هفته مقدار یادگیری شاگردان خود را ارزیابی و کنترل نماید^۴ و نیز معتقد است که ساعت و برنامه روزانه بنحوی تنظیم شود :

۱ - تلاوت قرآن و درس معانی قرآن از باسداد تا بهنگام چاشت .

۲ - درس آئین نگارش از چاشت تا هنگام ظهر .

۳ - دانش آموزان برای صرف غذا بمنزل خود رفته و پس از ادای فریضه نماز ظهر مجدداً بمدرسه بازمی گردند و در این فاصله زمانی که تا عصر بطول می انجامد دروس حساب و قرائت و تاریخ و دستور زبان می آموزند .

دیگر از مسائل مهم تربیتی که قابسی در کتاب خود بدان اشارت مینماید سئاله مدارا نمودن معلم با نوآموز است ولی باید که اغماض و چشم پوشی در خدی نباشد که کودک را به تناسائی سوق دهد بلکه باید در عین ملاحظت و سهربانی کودک را بجدیت و کوشش تشویق نماید و تکالیف درسی را بطور مرتب از او بخواهد و در حقیقت معلم است که باید برنامه درسی کودک را از جهت کمی و کیفی تعیین نماید و با بصیرت و کاردانی او را بخواندن و نوشتن علاقمند گرداند و از سوی دیگر عیوسی و ابروگره کردن نه تنها در تربیت کودک مؤثر نخواهد بود

بلکه او را رفته رفته با این حالت آموزگار آشنا و بی تفاوت ساخته و عکس العمل ناسطوب از خود نشان میدهد چه دیگر عیوسی برایش اسری عادی گشته و بهیچ رفتار خود پی نمی برد ولی هرگاه معلم اصولاً باخوشروئی و شیرین زبانی کودک را تعلیم داد هرگاه خطائی از کودک سرزند و معلم بلادرنگ احم دراز بکند و چهره درهم کشد تأثیر آن بلادرنگ نیز در روحیه کودک منعکس و در چهره اش نمودار خواهد شد یعنی بلافاصله پی خواهد برد که آنچه گفته یا مرتکب شده است اسری ناپسند است و باید از تکرار آن خودداری کند و این حالت رفته رفته بصورت سلکه در کودک رسوخ خواهد کرد و خود بخود از ارتکاب اشتباه گذشته بدون دخالت عامل خارجی احتراز میجوید بهر حال باید معلم در هر دو حالت ملاحظت و تشدد و درشتی کردن حد اعتدال نگه دارد و با کودک خصوصیت نشان ندهد تا کودک از حسن اخلاق و رفتار و دلسوزی آموزگار

بحکم کودک کی سوء استفاده نکند خلاصه آنکه آموزگار باید وقار و حشمت خود را در برابر دانش آموزانش حفظ کند تا بتواند نقش یک سرب شایسته را ایفا کند ، قایسی رفتار آموزگار را باشاگردانش یکی از عوامل مؤثر در تربیت کودک می داند و از اینجهت به آموزگاران توصیه مینماید که از هرگونه تبعیض بین دانش آموزان خودداری کنند تا بصفای دل آنان لطمه وارد نگردد و چون دانش آموزی از نظر هوش و استعداد برتری داشت باید بنحوی از وی قدردانی کنند که دیگر همگنانش بوی تاسی جویند و در تحصیل دروس سعی بیشتر از خود نشان دهند . خلاصه آنکه تشویق نباید بنحوی صورت گیرد که جنبه تعریض و کنایه برای دانش -

آموزان دیگر داشته باشد و بیان

اسر بمیزان درایت و درک مسئولیت اخلاقی آموزگار بستگی دارد آری فلاسفه گویند ذات نایافته از هستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش و این مطلب از اصول مسلم تعلیم و تربیت است بهر حال آموزگار باید وظیفه مقدس خود را در پیشبرد و هدف آموزش تا سرحد کمال سطلوب و باتوجه باسکانات مادی و معنوی انجام دهد قابسی درسورد آموزش مشترکک بین دختر و پسر معتقد است که باید برای هر یک از آن دو مادی خاص نیز که در آینده زندگی سودبخش باشد منظور گردد و کلاسهای دختران و پسران از هم مجزا باشد تا رخنه فساد اخلاق بمقتضای تربیت خانوادگی و تمایلات غریزه انسانی بین دختر و پسر اسکان پذیر نگردد قابسی معتقد است که آموزگار باید روزهای چهارشنبه و پنجشنبه را به بررسی مطالب دروسی که در عرض هفته به کودک آموخته است بپردازد بویژه درس قرآن کریم چه این روش به کودک قدرت تفکر بخشیده و او را به کنجکاوی سوق می دهد و باصطلاح روح بخود کفائی را در فهم درس دروی تقویت مینماید ، قابسی به آموزگاران توصیه مینماید که رفتار کودکان را با یکدیگر سخت کنترل کنند و مراقب باشد که مبادا کودکی مورد اذیت و آزار همسال خود قرارگیرد و چون کودکی به نزد معلم شکایت برد که او را اذیت و آزار داده اند قابسی و دیگر سربان بزرگ اسلام برآنند که چون بیدار کردن حس انسان دوستی باید از همان اوان کودکی صورت گیرد لذا در اینگونه موارد نباید در تصمیم گرفتن شتاب زدگی نشان داد و قابسی معتقد است هنگامی تنبیه سوذی ضرورت می یابد که خود اعتراف به اذیت و آزار هم کلاش کند و یا آنکه اکثر دانش آموزان

کلاس از دست او ستاؤی و شاکمی باشند خلاصه آنکه جانب احتیاط را در این باب نباید از دست داد و در آن مورد که شیطنت و اذیت و آزار دادن کودک بدیگری برای آموزگار محرز و ثابت نگردیده باید بانصیحت و در صورت لزوم سرزنش وی را از ارتکاب کار زشت منع کند و در مورد حفظ وصیانت کرامت و خبیثیت کودک باید که در همه حال از هرگونه داوری عجولانه احتراز جوید که اینگونه داوری ممکن است ثمرات ناسطلوب در روحیه کودک بجای گذارد و اگر خطائی از دانش آموز سرزند باید بهنگام تنبیه و سرزنش وی سعی کند که کودک قبح و زشتی آن کار را درک و احساس نماید و همچنین دانش آموزی که خوش رفتار و حسن سلوک دارد باید مورد تشویق قرار گیرد و جهت تشویق و تقدیر برایش تفهیم شود تا رفته رفته درک خوبی و زشتی برای کودکان سلکه گردد و بدیهی است که تقویت روح تشخیص در کودک او را همواره به کار نیک و رفتار نیک هدایت و ارشاد مینماید و از همین راه صفات پسندیده و خصائل حمیده در وی نمودار گشته و باصطلاح فلاسفه از قوه بحرله فعلیت درسی آید و این مرحله خود کمال مطلوب تربیت کودک می باشد .

قابسی در مورد احترام گذاردن به نوشته بویژه اسماء الله و آیات قرآن کریم میگوید که دانش آموز باید بهنگام پاک کردن آنها از روی لوح (مثل کاغذ و یا تخته سیاه که امروزه در مدارس متداول است) از وسیله پاک و تمیز استفاده کند و رفتارش بصورتی نباشد که موهن تلقی شود و اینگونه گمان رود که وی بمفاد این عبارت و الفاظ و کلمات آن بی مبالات و بی تفاوت است حتی در عصر خلقای راشدین که چهل سال بطول انجامید و با شهادت بزرگ رادسرد اسلام حضرت علی

بن ابیطالب علیه السلام پایان یافت عادت و رسم مکتب داران بر این بود که هر روز کودکی را سوظف می کرده اند که طشتی آب بیاورد و الواح دانش آموزان را که بر روی آنها اسماء الله و آیات قرآنی نوشته شده است بشویند و سپس آب آنرا در گودالی بریزند تا خشک شود این دستور بقطع نظر از جنبه مذهبی آن کودک را به احترام گذاردن به مطالب علمی و امی دارد و رفته رفته کودک ناخود آگاه بهر مظهری از مظاهر انسانی (سلی و مذهبی) با دیده احترام می نگرد و آنرا سبیل اخلاق می شناسد بنابراین نباید پاک کردن آیات قرآن از لوحه درس بطریق اهانت آمیز صورت گیرد مثل اینکه بوسیله کشیدن پابر روی آن آیات را پاک کرد از ابراهیم نخعی روایت شده است که وی گوید شرط جوانمردی و ادب آنست که انسان همواره با خود دستمالی تمیز همراه داشته باشد. بهرحال قابسی آموزگاران که نظر کودک را بیه قدسیت علم معطوف نمی سازند ، نکوهش و سرزنش مینمایند .

قابسی در مورد تعطیلات هفتگی دانش آموزان تنها روز جمعه را که به تعبیر وی از دیرباز سنت معلمان بوده بهترین روز هفته برای استراحت کودک پیشنهاد مینماید و میگوید در عرف مردم عصر پنجشنبه نیز جز تعطیل ایام هفته می باشد هر چند برخی از معلمان هم بر این سنت عمل نموده و عصر پنجشنبه را تعطیل کرده اند ولی آنچه مهم است که از نظر پرداخت مزد یا حق التدریس باید طرفین قرار داد یعنی معلم و ولی طفل در مورد عصر پنجشنبه با یکدیگر توافق نموده باشند بخلاف تسمی روز جمعه که خود اسری معمول به و متداول بوده و نیازی به تصریح ندارد و گویند عبدالله بن حکم همین نظریه را تأیید کرده و اظهار می دارد هرگاه معلمی با ولی کودک قراردادها نه منعقد

کرد روز جمعه را می‌تواند تدریس نکند و ضرورتی ندارد که در متن قرارداد منعکس شود ولی تعطیلی روز پنجشنبه صبح و عصر از نظر ما اسری مستبعد است و نیکوتر همان که دانش آموزان عصر پنجشنبه و روز جمعه را تعطیل نموده و مجدداً روز شنبه بمدرسه باز آیند مشایخ ما بر این سنت بوده‌اند و آنرا برای رفاه حال کودک و معلم مفید و سودمند می‌دانستند اما در مورد تعطیلات سالانه قایسی معتقد است که در عید فطر و عید قربان که از اعیاد بزرگ مذهبی مسلمانان است برای هر یک تنها یک روز مدرسه یا باصطلاح آزمون مکتبخانه باید تعطیل شود و آموزگاران با احترام این دو عید می‌تواند تا سه روز بشاگردانش اجازه مرخصی دهد و برخی نیز تا پنج روز

مرخصی را تمدید نموده‌اند و آنچه از کلام قایسی مستفاد میگردد و حائز اهمیت است آنکه ارزش زمان برای فراگیری کودک در نظر کارشناسان تعلیم و تربیت اسلامی قرنهای نخستین اسلام کاملاً مورد توجه بوده و جدیت در امر آموزش سرلوحه برنامه آنان قرار داشته است و اما در مورد دادن فرصت مذاکره و مطالعه به دانش آموز برای امتحان از آنجمله امتحان ختم قرآن قایسی معتقد است که آموزگار می‌تواند یک روز و حداکثر یک روز و نیم بدانش آموز اجازه مرخصی بدهد بویژه آنکه آموزگار ملتزم بمفاد عقد قرار داد است و وظیفه شرعی وی ایجاب می‌کند که چنانچه بخواهد بیش از ۳۶ ساعت برای دوره کردن درس به شاگردانش اجازه مرخصی دهد باید از اولیاء آنان کسب اجازه کند و مصلحت بودن آنرا برایشان توجیه نماید بهرحال قایسی هرگونه اجازه مرخصی را علاوه بر آنچه ذکر شد متوقف بر رضایت و موافقت ولی می‌داند.

همانگونه که امروز وزارت آموزش و پرورش نقش ولایت را درباره آموزگاران می‌نماید - قایسی در پایان این بخش از

کتاب خود اضافه مینماید هرگاه معلمی نسبت به تعهد خود پایبند نباشد و از انجام مفاد قرار داد سر باز زند و بعملی در تربیت و تعلیم کودک عمل ورزد ادای شهادت وی که در شرع مقدس اسلام از اهمیتی فوق العاده برخوردار است فاصوب و مردود شناخته شده است و فقها در مورد صلاحیت اینگونه آموزگاران برای ادای شهادت احتیاط و تأمل نموده‌اند و این حقیقت حاکی از اهمیت امر تعلیم و تربیت کودک در اسلام است و نباید آنرا بر تحقیر مقام و منزلت آموزگار حمل نمود، کتب مقدس اسلام مقام معلم را تاسرحد پرستش گرامی می‌دارد و در فضیلت علم و تجلیل از مقام معلم در اسلام همان بس که امیرمؤمنان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرماید «من علمنی حرفاً قد صرت له عبداً» هر کس بمن سخنی آموخت مرا بنده خود گردانید این بودگفتاری کوتاه پیرامون نظریه ابوالحسن قایسی از مشاهیر مربیان قرن چهارم هجری در امر تعلیم و تربیت کودک از دیدنه تعالیم اسلامی.

(۱) قیروان از شهرهای تاریخی کشور تونس است و زیان شناسان معتقدند که کلمه «قیروان» معرب «کاروان» است و دولت تونس چند سال پیش کنگره هزاره این شهر را برگزار کرد.

(۲) سوره «القلم» آیه ۴ و در حدیث شریف نیز آمده است «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» به پیامبری مبعوث شدم تا فضائل اخلاقی را بمرز کمال برسانم

(۳) سوره آل عمران آیه ۱۵۹ . خداوند بر مؤمنان سنت نهاد که پیامبری از بین خود آنان مبعوث گردانید تا آیات الهی را برای ایشان برخواند و ایشان را پاکیزه دل سازد و کتاب و حکمت را بدیشان بیاموزد .

(۴) احوال المتعلمین و المعلمین تحقیق احمد فؤاد الالهوانی ص ۱۸۳ چاپ قاهره

(۵) رمان : تطور الفکر التربوی تألیف دکتر سعد سمری احمد ، چاپ قاهره